

واکاوی نخستین کارنامه تغییر بنزینی

مهار فاکتور ۱۲ میلیارد دلاری واردات سوخت با تکیه بر بسته‌ای ترکیبی یک بار دیگر نشان می دهد بن بست های ظاهرالاینحل اقتصاد با انضباط داده محور رویکرد تربیجی قابل درمان است

اعلام اخیر رئیس جمهور مبنی بر بی نیازی کشور از واردات بنزین و مهار بار مالی سنگین ۱۲ میلیارد دلاری آن را می توان فراتر از یک توفیق مقطعی در تراز انرژی و دریافت پاسخ مثبت از رویکرد داده محوری در مواجهه با چالش های ساختاری اقتصاد دانست اما همین چندی پیش، اتمسفر اقتصادی و رسانه ای کشور زیر بار سناریوهای نگران کننده و گاه بن بست نمایی هایی قرار داشت که راه حل ناترازی سوخت را منحصرأ در شوک های سنگین قیمتی جست وجو می کردند. با این حال، کارنامه اخیر مدیریت مصرف سوخت نشان داد که باتکیه بر انضباط سامانه ای، هدف گیری مصارف غیر ضروری و فعال سازی ظرفیت های معطل، می توان پرونده های پرهزینه را بدون تحمیل بار اجتماعی به سامان رساند.

بازخوانی یک هیاهو؛ ریل گذاری به سمت شوک درمانی

اگر فضای چند ماه اخیر بازخوانی شود، غلبه یک رویکرد تک بعدی به وضوح مشهود است؛ رویکردی که تلاش می کرد مسئله پیچیده ناترازی بنزین را صرفا به «ارزان بودن سوخت» تقلیل دهد و پیامد منطقی آن نیز تجویز شوک قیمتی بود. در آن فضا، سناریوهایی از بنزین چند ده هزار تومانی تا بن بست کامل ارزی بازناب می یافت و این گزاره تبلیغ می شد که برای مهار کسری، گریزی از تیغ جراحی های دردناک وجود ندارد.

با این حال، آنچه عملاً روی زمین رخ داد و مانع از واردات میلیاردي شد، نه انفجار قیمتی بود و نه آزمودن آستانه تاب آوری جامعه. واقعیت آن بود که در برابر جریان مدافع «شوک درمانی»، منطقی از سیاست گذاری شکل گرفت که قائل به وجود راه حل های میانه و در ابتدای کار بازکردن چشم سیاستگذار به روی ابزارها و ظرفیت های موجود و استفاده حداکثری از آن ها بود؛ رویکردی که اعتقاد داشت پیش از انتقال هزینه ناکارآمدی ها به سبد معیشت عمومی، باید رخنه های توزیع، بی انضباطی آماری و فرصت های جایگزین مورد بازخواست قرار گیرند.

جراحی نقطه ای؛ بار روی دوش مصارف غیرضرور
نخستین پایه بسته اجرایی، اصلاح حساب شده و تدریجی در نرخ های فراتر از سهمیه پایه بود. دولت به جای دست کاری نرخ های اول و دوم

پارانه ای ۱۵۰۰ تومانی و آزاد ۳۰۰۰ تومانی) که بار معیشتی و رفت و آمد های عمومی را حمل می کنند، توجه خود را به «نرخ سوم» متمرکز کرد. با تعیین و سپس تعدیل نرخ سوم بنزین تا مرز ۱۰ هزار تومان برای مصارف فراتر از سقف متعارف، این سیگنال اقتصادی به پرمصرف ها مخابره شد که بنزین مازاد دیگر به قیمت شبه رایگان در دسترس نخواهد بود. این تدبیر هوشمندانه سبب شد بدون آسیب به معیشت عموم شهروندان، تقاضاهای کاذب و پرمصرف مهار شوند؛ تفکیکی دقیق میان «سهمیه پایه زندگی» و «مصرف مازاد و غیراقتصادی» که نشان داد بدون شوک همگانی هم می توان رفتار مصرف کننده را بازتنظیم کرد.

انسداد نشت سوخت با انضباط داده محور
پاشنه آشیل توزیع فرآورده طی سال های گذشته، سهم فراینده و غیرشفاف کارت های سوخت جایگاه ها بود؛ به طوری که سهم این کارت ها به ۴۰ تا ۴۵ درصد کل توزیع کشور رسیده بود و عملاً تکالیف قانونی برای سوخت گیری با کارت شخصی را بی اثر می کرد. استفاده نامحدود و بدون هویت با رمزهای پیش فرض در جایگاه ها، روزه ای برای خروج غیررسمی روزانه ۵ تا ۴ میلیون لیتر سوخت و تراکنش های صوری فراهم آورده بود.

پاسخ سیاستی به این نشت عظیم، محدود سازی کارت سوخت جایگاه ها و اجرای طرح احراز هویت متقاضیان سوخت اضطراری (سامانه مانا) بود. در این الگو، فرایند سنتی سوخت گیری ناشناس جای خود را به ثبت کارت بانکی، استعلام کد ملی، تعیین سقف



مجاز و دریافت رمز یک بار مصرف داد. به گزارش تسنیم، این ردیابی هویتی مصرف کننده که با اجرای آزمایشی در ۱۰۰ جایگاه شهر تهران و پایش صدها هزار تراکنش به ثمر نشست، قاچاق سوخت به صنایع یا مرزها را مسدود کرد و با حذف تراکنش های کاذب، حجم قابل توجهی از مصرف کل کشور را کاهش داد.

بازگشت سی ان جی به مدار تراز انرژی
رکن سوم این بسته، جریان غفلت چند ساله از زیرساخت های ملی گاز طبیعی بود. ایران با در اختیار داشتن شبکه گسترده جایگاه های CNG، ظرفیتی بی بدیل برای تنوع بخشی به سبد سوخت دارد که سال ها زیر سایه غفلت قرار گرفته بود.

با اقداماتی نظیر مشوق های توزیعی، ساماندهی ناوگان عمومی و تاکسی های اینترنتی و تبلیغات میدانی، سهم سوخت پاک بار دیگر روبه افزایش گذاشت. آمار رسمی حاکی از رشد ۱۴ درصدی مصرف سی ان جی تا مهرماه است؛ رقمی که به تنهایی صرفه جویی روزانه نزدیک به ۲ میلیون لیتر بنزین را محقق کرد. این جهش مصرفی اثبات کرد که سیاست های غیرقیمتی و مکمل، تا چه حد می توانند در کوتاه مدت بدون تحمیل هزینه های اجتماعی، ضربه گیر ناترازی های انرژی باشند.

شکست منطق «یا شوک یا سقوط»
مرور تجربه اخیر بنزین، پیش از هر چیز یک بازنگری انتقادی به شیوه های بعضاً موجود تصمیم سازی در اقتصاد ایران را ضروری می کند؛ همان نکته ای که روزنامه «قدس» در تحلیلی بر

تجولات اخیر نیز به آن اشاره کرده و یادآور شده است که در بزنگاه اخیر، خوشبختانه عقلانیت حاکم بر تصمیم گیری مانع از حاکم شدن گزینه های شوک درمانی شد؛ گزینه هایی که با چشم پوشی بر پیامدهای امنیتی و اجتماعی و در اوج شرایط حساس اقتصادی و امنیتی، تنها راه حل را در افزایش افسارگسیخته قیمت می دیدند.

از سوی دیگر، سرمقاله روزنامه «فرهیختگان» نیز با دست گذاشتن بر خطای تکراری حلقه های کارشناسی، این هشدار را مطرح کرد که نباید با افکار عمومی مانند آزمایشگاه رفتار کرد؛ درحالی که با چند ابزار در دسترس مانند ساماندهی کارت ها، فعال سازی CNG و اصلاح نرخ سوم می شد بحران را مدیریت کرد، چرا جامعه هفته ها زیر فشار التهابات روانی و سناریوهای نگران کننده قرار گرفت؟ این پرسش به درستی پیش روی نظام تصمیم گیری است که چرا برخی محافل کارشناسی برای هر بیماری پیچیده ای، فقط یک نسخه همیشگی و تک خطی به نام جهش قیمت درآستین دارند؟

فراتر از بنزین؛ درسی برای اداره اقتصاد
پرونده ناترازی بنزین و شیوه مدیریت آن در ماه های گذشته یک الگوی قابل تعمیم به سایر ناترازی های کشور (از آب و برق گرفته تا گاز و بودجه) ارائه می دهد. این تجربه آشکار کرد که دوگانه ساختگی «دست روی دست گذاشتن» یا «شوک درمانی خشن»، یک بن بست کاذب است. در میانه این دو قطب، راه سومی و یاراه های متنوعی مبتنی بر انضباط داده محور، اصلاح تدریجی و تفکیک میان مصرف اساسی و غیرضروری» وجود دارد که هم منافع ملی و منابع ارزی را حفظ می کند و هم سرمایه اجتماعی را قربانی تعجیل های کارشناسی نمی سازد. بی نیازی از فاکتور ۱۲ میلیارد دلاری واردات سوخت، گواهی روشن بر این واقعیت است که اقتصاد ایران بیش از آنکه نیازمند جراحی های پیرسک باشد، به عقلانیت بوروکراتیک و بستن منافذ بی انضباطی محتاج است.

همکار محترم جناب آقای امیر نوری
با تأسف فراوان
درگذشت **پدر گرامیشان** را تسلیت گفته برای جنابعالی و تمامی بازماندگان محترم سلامت پایدار آرزومندیم.
دکتر یار محمدی و بانو

بیست و ششمین سالگرد درگذشت پدر عزیزمان شادروان مرحوم **حاج سید کاظم اخوان فاطمی** را گرامی می داریم. روحش شاد و قرین رحمت الهی **برادران اخوان فاطمی**

دیدگاه

چرا برخی منتقدان طرح «تورم صفر» برای اعلام شکست عجله دارند؟



هنوز دو هفته از آغاز طرح شش ماهه «تورم صفر» در تهران نگذشته که برخی رسانه ها از شکست اقتصادی، خلق نقدینگی و اهداف سیاسی آن سخن می گویند؛ حال آنکه مهم ترین شاخص های موفقیت یا شکست طرح هنوز فرصت آزمون پیدا نکرده اند.

این طرح از روز هفتم مهر ۱۴۰۵ با هدف ثابت نگه داشتن قیمت ۱۲ قلم کالای منتخب در شبکه میادین و فروشگاه های شهروند کلید خورد؛ رویکردی که تأمین کالا را از مسیر خرید مستقیم، واردات و کاهش واسطه ها دنبال می کند. با این حال، تنها چند روز بعد (۱۳ مهر)، برخی رسانه های خارج از کشور و منتقدان داخلی، اصل امکان اجرای چنین طرحی را در اقتصاد تورم زده کشور زیر سؤال بردند.

نقد اقتصادی یا پیش داوری؟

میان دو نوع نقد باید مرز مشخصی قائل شد. این که منابع مالی طرح از کجا آمده، احتمال شکل سازی بازار ثانویه جقدراست و هزینه های شهرداری چطور مدیریت می شود، پرسش های مشروعی است که به کارآمدی سیاست کمک می کند. اما گزاره ای مانند «این طرح از پیش شکست خورده است» جنس دیگری دارد؛ این دیگر پرسش از سازوکار نیست، بلکه پیش بینی قطعی نتیجه است.

برای اثبات شکست یک سیاست، دست کم باید یکی از متغیرهای عملیاتی آن آزموده شود؛ آیا کالا تمام شده؟ آیا تأمین مجدد متوقف گشته؟ آیا شهرداری زیان سنگینی متحمل شده یا صف و بازار سیاه شکل گرفته است؟ در هفته های نخست، پاسخ روشنی به این پرسش ها وجود ندارد. یک بررسی مستقل در ۱۸ مهر نیز تأکید کرد که نسبت دادن «شکست» به سیاستی که هنوز دوره اش طی نشده، از منظر فکت چک قابل اثبات نیست.

الگوهای تکراری در تخریب زود هنگام
نقد های مطرح شده طیف متنوعی از «قیمت گذاری دستوری» و مقایسه با سرنوشت ارزانتین و ونزوئلا تا مسائل بانکی و انگیزه های سیاسی را در بر می گیرد. وجه مشترک این روایت ها، انتقال نتیجه تاریخی سیاست های دیگر به آینده طرح تهران است، پیش از آنکه تفاوت ساختاری این مدل (مانند کوتاه کردن زنجیره توزیع و موجودی از پیش خریداری شده)

استاندارد قضاوت کجاست؟
منتقدان امروز در حالی نگران گرانی و مداخله دولتی شده اند که پیشتر درباره روند صعودی تورم مواد غذایی سکوت کرده بودند. جالب این که برخی گزارش ها نشان می دهند پیش از اجرای این طرح، کالاهای پرمصرف بدون افزایش رسمی قیمت تولیدکننده در شبکه بخش گران تر عرضه می شدند؛ مسئله ای که مدل خرید مستقیم شهرداری دقیقاً برای مقابله با آن طراحی شده است.

در اقتصاد، بسیاری از خطرات مطرح شده نظیر شکل گیری آربیتراژ یا فشار مالی بر شهرداری محتمل است. اما این ها «فرضیه» هستند، نه «واقعۀ». وظیفه نقد اقتصادی این است که پیامدها را گوشزد و سپس داده ها را دنبال کند، نه این که پیش از مشاهده داده ها، حکم صادر کند. طرح «تورم صفر» ممکن است شکست بخورد؛ هیچ تضمین مطلق اقتصادی وجود ندارد. اما شکست یک احتمال است، نه اتفاقی که در روزهای نخست رخ داده باشد. شش ماه بعد، اگر قفسه ها خالی باشد و هزینه ها سرسام آور شده باشد، منتقدان سند خواهند داشت؛ اما تا آن زمان، پرسشگری ضروری است، ولی صدور حکم نهایی زود هنگام است.

منبع: خبرگزاری فارس

«پدر گر رفت، مهرش در دل ماست چراغ یاد او تا ابد برپاست»



۲۸ مهر ماه هفدهمین سالگرد

درگذشت پدر دلسوز و بزرگوارمان

شادروان حاج محمد علماء

را با گرامیداشت یاد و خاطره

آن عزیز سفر کرده

به سوگ می نشینیم.

نام نیکش جاودان، یادش ماندگار

و روح بلندش قرین رحمت واسعه الهی باد.

خانواده علماء

بر تو باد صبر، که صبر دشمنی استوار است و عبادت اهل یقین

هر گزم نقش تو از لوح دل و جان نرود

هر گز از یاد من آن سرو خرامان نرود

مادری مهربان و همدمی فداکار به ناگزیر از میان ما رفت.

در گذشت خانم فائقه فخمی

را به حضور فامیل و دوستان اعلام میداریم.

مراسم خاکسپاری آن مرحوم

ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه ۲۸ مهر

در قطعه ۱۴ آرامستان جوادالائمه برگزار خواهد شد.

دکتر مهدی فلاطونی همسر

نگار و نگین فلاطونی فرزندان

دوست بزرگوار و فرهیخته

جناب آقای دکتر مهدی فلاطونی

در گذشت همسر ارجمندتان

سر کار خانم فائقه فخمی

را به حضور شما و خانواده محترم تسلیت عرض مینمائیم .

امیدواریم در این روزهای دلتنگی و غم ما را هم شریک درد خود بدانید.

برای شما و خانواده محترم صبر بسیار آرزومندیم.

دکتر بهروز اقدم، دکتر حسین وهابزاده، تقی نواختی، دکتر امیر هژبر السادات

فروزان خزائی، حسن هامان، بهروز طور، منوچهر زمانیان

دکتر مصطفی امین زاده، فیروز آخوندزاده